

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان / سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۵ / صفحات ۱۶۳-۱۴۳

ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

سمانه علوی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۰۳

چکیده

در سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی کشور و سیاست‌های کلی نظام، مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی کشور آورده شده‌اند که دستگاه سیاست خارجی را موظف می‌نماید تا عملکردی مطابق با این اهداف و سیاست‌ها داشته باشد. این پژوهش، با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی درصدد است تا با ارائه‌ی یک مدل ارزیابی، ضمن تشریح اهداف سیاست خارجی سند چشم‌انداز بیست ساله ایران و سیاست‌های کلی نظام در برنامه‌ی چهارم توسعه و الزامات تحقق آن‌ها، عملکرد دستگاه سیاست خارجی کشور را طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ در رابطه با پرونده‌ی هسته‌ای، مسئله‌ی هولوکاست، رویکرد نگاه به شرق و چگونگی تعامل و یا تقابل با آمریکا و نیز روابط با آمریکای لاتین را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. نتایج و یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سیاست خارجی کشور طی دوره چهارساله دولت نهم با اهداف چشم‌انداز بیست ساله و سیاست‌های کلی چندان منطبق نبوده است. علت این امر را باید در اتخاذ رویکرد تهاجمی و ماجراجویانه توسط دولت نهم، همراه با برخی موضع‌گیری‌های ناپجا و گرایش به آرمان‌گرایی ذهنی بیش از واقع‌گرایی در سیاست خارجی، جستجو نمود.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، منافع ملی، سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران، قدرتی منطقه‌ای با توانمندی‌های بین‌المللی است که بر طبق سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و در راستای سیاست‌های کلی نظام در نظر دارد تا ظرف مدت دو دهه (۱۳۸۴-۱۴۰۴) به یک قدرت برتر منطقه‌ای، با حفظ هویت اسلامی تبدیل شود. قدرت‌های منطقه‌ای در واقع قدرتمندترین دولت‌ها در سطح مناطق هستند که تعداد آن‌ها در هر منطقه بسته به چگونگی توزیع قدرت در آن منطقه، متفاوت است. ایویند استرود برای قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای چهار ویژگی را معرفی می‌نماید: اول به لحاظ جغرافیایی در بخشی از منطقه‌ی معینی قرار گیرد؛ دوم، قادر به مقابله با هرگونه ائتلاف سایر دولت‌های منطقه باشد؛ سوم نفوذ بالایی در منطقه داشته باشد و چهارم، به واسطه‌ی منزلت و اعتبار منطقه‌ای، پتانسیل تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ در مقیاس جهانی را داشته باشد. در جهان امروز، دولتی که به دنبال تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ی است، باید در چارچوب قوانین نوین قدرت عمل کند و در این چارچوب، در کنار مولفه‌های قدرت سخت، به حد متناسبی از قدرت نرم متکی باشد. مهم‌ترین ملاک ارزیابی قدرت نرم، در اعتبار، اعتماد‌پذیری و مشروعیت جایگاه آن است. (قنبرلو، ۱۳۸۸: ۶۴-۵۴)

برای تحقق دستیابی کشور به چنین جایگاهی، اهداف و مقاصد در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در این سند و هم‌چنین در سیاست‌های کلی نظام در برنامه‌ی چهارم توسعه تعریف شده‌اند. در شرایطی که چشم‌انداز بیست‌ساله مسیر کلی و جهت‌گیری کلان کشور را تا سال ۱۴۰۴، در چهارچوب برنامه توسعه‌ای برون‌گرا و مبتنی بر راهبرد تعامل سازنده و موثر با جهان تعیین نموده است، ضرورت طراحی و تدوین یک سیاست خارجی منسجم برای توسعه کشور در راستای تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، بیش از پیش احساس می‌شود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۶)

بررسی و ارزیابی سیاست خارجی ج.ا.ا طی چند سالی که از تصویب سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی ایران گذشته است، می‌تواند ما را از میزان همسویی عملکرد سیاست خارجی کشور با اهداف یاد شده در سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلی نظام آگاه نماید.

در این پژوهش، ارزیابی عملکرد دستگاه سیاست خارجی کشور در دوره‌ی چهارساله‌ی دولت نهم، (۱۳۸۸-۱۳۸۴) به عنوان مقطعی حساس و خاص، انتخاب شده تا میزان این همسویی و یا عدم همسویی سیاست خارجی کشور با آنچه در سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلی به آنها اشاره شده مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

به منظور تحقق رویکردی منسجم و توسعه محور در عرصه سیاست خارجی، این پژوهش در تلاش است تا ضمن آسیب‌شناسی تحولات گذشته‌ی این حوزه طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، به خصوص در مواردی هم چون پیگیری پرونده‌ی هسته‌ای ایران، بحث هولوکاست، تاکید بر رویکرد به شرق در مناسبات خارجی، و

امریکای لاتین، یک ارزیابی جامع از موضع‌گیری‌ها و سیاست‌های دستگاه دیپلماسی دولت نهم در قبال این مسائل ارائه نماید.

غیرقابل انکار بودن نیاز به برقراری روابط گسترده با سایر کشورها، وجود نوعی انزواگرایی در روابط خارجی به خصوص با کشورهای مطرح در منطقه و جهان و تاکید دولت نهم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) بر درون‌گرایی و عدم درک مفهوم تعامل سازنده در عرصه‌ی سیاست خارجی، جملگی سبب شد تا موضوع ارزیابی عملکرد دستگاه سیاست خارجی کشور طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ حائز اهمیت شود؛ چراکه خلا یک پژوهش مستقل جهت ارزیابی سیاست خارجی بر اساس معیارهای مهمی همچون سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و سیاست‌های کلی نظام محسوس است. آن‌چه براساس سند چشم‌انداز به آن نیاز داریم، یک سیاست خارجی همراه با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌المللی و به دور از هرگونه موضع‌گیری‌های نسنجیده و رویکردهای تهاجمی است.

سوال اصلی این پژوهش آن است که عملکرد دستگاه سیاست خارجی کشور طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ تا چه میزان با اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله و سیاست‌های کلی نظام همسویی داشته است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این سوال در نظر گرفته شده آن است که سیاست خارجی این دوره‌ی کشور بیشتر مبتنی بر رویکردی تهاجمی و آرمان‌گرایانه بوده و کمتر با اهداف سند چشم‌انداز که همانا تعامل سازنده و مؤثر بین‌المللی است همسویی داشته است.

۱. مرور پیشینه پژوهش

آثاری که در ارتباط با موضوع این پژوهش موجود است را می‌توان در دو گروه عمده دسته بندی نمود: نخست آثاری که مرتبط با سیاست خارجی ج.ا. هستند که خود، به دو شاخه تقسیم می‌شوند: یک دسته شامل متونی که به معرفی مبانی و اصول و تبیین سیاست خارجی کشور و ارائه‌ی چارچوب‌های نظری برای بررسی سیاست خارجی ایران می‌پردازند (بنگرید به: رضایی، ۱۳۸۴، سجادی‌پور، ۱۳۸۳، محمدی، ۱۳۸۰، دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷) و دسته‌ی دیگر شامل آثاری که به طور خاص به بررسی سیاست خارجی ج.ا. طی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۸۸ پرداخته‌اند (بنگرید به: مولانا، ۱۳۸۸، دهشیری، ۱۳۸۹، موسوی شفیعی، ۱۳۸۷) گروه دوم، شامل آثاری است که در ارتباط با سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی ایران هستند که خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته شامل متونی که به معرفی سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی ایران پرداخته‌اند (بنگرید به: کشاورزی، ۱۳۸۸، رضایی و دهکردی، ۱۳۹۰) و دسته‌ی دوم، شامل آثاری که به طور خاص به بررسی اهداف مرتبط با سیاست خارجی که در سند چشم‌انداز به آنها اشاره شده می‌پردازند (بنگرید به مقالات: سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای،

نوشته‌ی محمد جعفر جوادی ارجمند در مجله‌ی سیاست، شماره‌ی اول، بهار ۱۳۸۸، چشم‌انداز بیست ساله‌ی ایران و الزامات سیاست خارجی، نوشته‌ی جلال دهقانی در اطلاعات، تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۸۴) با مطالعه و بررسی آثار مرتبط با موضوع مورد پژوهش در می‌یابیم که تاکنون اثری که به طور خاص به ارزیابی این عملکرد بر مبنای سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلان نظام بپردازد، دیده نمی‌شود و این وجه تمایز این کار پژوهشی از سایر آثار مرتبط با این حوزه است.

۲. مفهوم ارزیابی و اهمیت ارزیابی عملکرد دولت‌ها

از نظر لغوی، واژه ارزیابی به معنی یافتن بهای چیزی و تعیین ارزش آن چیز است (عمید، ۱۳۶۵: ۱۰۴) و عبارت است از سنجش و اندازه‌گیری کار و نتیجه به دست آمده از کار با شاخصی که بتوان کمیت و کیفیت مورد نظر را به گونه‌ای عینی و دور از داوری‌های شخصی و ملاک‌های مبهم اندازه‌گیری کرد. (میرکمالی، ۱۳۷۸: ۱۸) ارزیابی، روشی برای قضاوت است که به وسیله آن، میزان نزدیکی به هدف یا اهداف مورد نظر سنجیده می‌شود و در پایان انجام یک فعالیت یا اجرای یک برنامه و پس از نظارت و کنترل صورت می‌پذیرد. (حاجی کریمی و رنگریز، ۱۳۷۸: ۲۰۴)

از دیدگاه سیاست‌گذاران، ارزیابی، فرایندی است که می‌تواند به آن‌ها کمک نماید تا نقش‌هایشان را انجام دهند و به اهدافی که مهم می‌دانند دست یابند. از نظر ارزیاب، این بدان معناست که یافته‌های وی، در چارچوب یک فرایند سیاسی رقیب ارزیابی می‌شود و اطلاعات ارزیابی باید با انبوهی از عوامل غیر علمی که سیاست‌گذاران در ساخت تصمیمات سیاستی مناسب می‌دانند، رقابت کند. اگر این عوامل توسط سیاست‌گذاران برای تولید یافته‌های ارزیابی تفسیر شود، شانس بکارگیری به نحو چشمگیری افزایش می‌یابد و چنان چه این عوامل روش تحقیق را متوقف نماید، شانس به کارگیری کاهش خواهد یافت. (حق شناس، ۱۳۸۸)

۳. چهارچوب نظری پژوهش

علی‌رغم توسعه نسبی ادبیات سیاست خارجی ایران، هنوز خلأ یک پژوهش مستقل جهت ارزیابی آن بر اساس معیارهای مهمی هم چون سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و سیاست‌های کلی نظام محسوس است. ترسیم چنین چشم‌اندازی برای آینده‌ی کشور، نشان از اهمیت ویژه‌ی آن دارد. (داریانی و رفیع زاده، ۱۳۸۴: ۴) از آن جا که در این پژوهش، معیار ارزیابی سیاست خارجی ایران، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام است، لذا چهارچوب ومدلی که بایستی به کار گرفته شود، در درجه‌ی اول باید توجه ویژه‌ای به اهداف کشور

داشته باشد. برای فهم بهتر این موضوع نخست به بررسی برخی مدل‌هایی که جهت ارزیابی عملکرد دولت‌ها و دستگاه‌های اجرایی کاربرد دارند، پرداخته خواهد شد و در نهایت تلاش خواهد شد تا مدلی تلفیقی به عنوان چهارچوب نظری جهت ارزیابی سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای مذکور ارائه شود.

۳-۱. مدل مثلث عملکرد

مدل مثلث عملکرد بر نهادینه سازی تحول براساس سه اصل کارایی، اثربخشی و تحول تکاملی تکیه دارد. (موسی خانی، دادخواه و حسن زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۷) مفهوم کارایی در رابطه با کارهای درون یک مجموعه صورت می‌گیرد و چنانچه آن مجموعه با کمترین منابع، بیشترین اهداف را فراهم سازد، یک مجموعه‌ی کارا محسوب می‌شود. در رابطه با اثربخشی باید توجه داشت که اثربخشی عبارتست از درجه یا میزان نایل آمدن به اهداف مورد نظر (الهی، ۱۳۷۸: ۵۷) و نشان از دستیابی به اهداف و برنامه‌ها با ویژگی کارا بودن فعالیت‌ها و عملیات است. (رحیمی، ۱۳۸۵: ۳۶) در رابطه با بعد تحول تکاملی تحقیقات نشان می‌دهد که بسیاری از سازمان‌های امروزی در محیط پیچیده و پویا قرار دارند و در چنین محیطی سازمان‌ها باید یادگیرنده و تحولی باشند و سازمان‌ها باید به سرعت با محیط سازگار شوند و قادر به انجام بهتر کار باشند. (الهی، ۱۳۷۸: ۴۹) از مهم‌ترین نقاط قوت این روش می‌توان به محدود بودن شاخص‌ها و توجه به برقراری توازن بین کارایی و اثربخشی و تحول تکاملی و قرار دادن اهداف سازمان در رأس برنامه‌ها و توجه ویژه به آن و نیز توجه به تغییرات محیطی به عنوان عنصری مهم و اثرگذار بر عملکرد سازمان اشاره نمود و نشان از انعطاف پذیری آن دارد.

۳-۲. الگوی فیشر

در این الگو، شاخص‌های ارزیابی عملکرد به سه گروه شاخص‌های کیفی، نیمه کمی و شاخص‌های کمی تقسیم‌بندی شده‌اند. شاخص‌های کیفی اساساً استدلالی هستند و بر اساس قضاوت‌های ذهنی و درک شخصی افراد استوار است؛ (مانند فرهنگ سازمانی، رهبری و خصوصیات اخلاقی) در شاخص‌های نیمه کمی، شاخص‌های ذهنی جای خود را به شاخص‌های کمی داده‌اند و برای قضاوت‌های کیفی افراد ارزش کمی تعیین می‌شود. شاخص‌های کمی، شاخص‌هایی هستند که می‌توانند فعالیت‌های مختلف انجام گرفته در سازمان را به صورت عدد و رقم بیان کنند. (ارشدی خمسه، ۱۳۸۶) در این الگو نیز محدود بودن و دسته‌بندی شاخص‌های ارزیابی به عنوان یک نقطه‌ی قوت محسوب می‌شود، چرا که از سردرگمی در اثر تعدد معیارها و انباشت اطلاعات در سطح وسیع و بدون کارایی جلوگیری می‌شود. عدم توجه کافی به اهداف سازمان و تغییرات مختلف سیاسی، اقتصادی و غیره در خارج از محیط سازمان از نقاط ضعف این الگوی ارزیابی به حساب می‌آیند.

۳-۳. الگوی کارت امتیاز متوازن

در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰، تحول در ارزیابی مدیریت واحدهای کسب و کار منجر به یک نوآوری در مدیریت گشت که به این نوآوری کارت امتیاز متوازن گفته می‌شود. (ملکی فر و شالچی فر، ۱۳۸۴: ۶۱) این روش کاستی‌های سیستم‌های مدیریت سنتی نظیر عدم توانایی در مرتبط ساختن استراتژی‌های بلندمدت با اقدامات کوتاه‌مدت را آشکار می‌سازد و یک الگو و یا به عبارتی یک چارچوب مفهومی جهت تدوین مجموعه‌ای از شاخص‌های عملکرد در راستای اهداف استراتژیک است (دانشفرد، وحدانی و آغاز، ۱۳۸۹: ۵۸-۵۹) که بر اساس آن در اولین گام آن می‌بایست دیدگاه آتی سازمان مشخص گردد. سپس در راستای دیدگاه‌های حاکم بر سازمان، اهداف استراتژیک تدوین می‌یابند و یا می‌بایست تدوین شده باشند. با عنایت به دیدگاه آتی و اهداف استراتژیک سازمان، عوامل حیاتی موفقیت مشخص و رابطه علت و معلولی بین این عوامل مشخص می‌گردد. در همین راستا، معیارهای استراتژیک تبیین و در نهایت برنامه اقدام تدوین می‌گردد. (بهزادیان، ۱۳۷۹: ۶۹)

باید توجه داشت که این روش در صورتی قابل اجرا است که سازمان مورد مطالعه دارای یک استراتژی چشم‌انداز تعریف شده باشد و نیز با توجه به ارتباط سلسله مراتبی بین جنبه‌های تعریف شده امکان بررسی حوزه‌ها به طور مستقل وجود ندارد و هم چنین محیط را به عنوان یک عامل اثرگذار بر عملکرد سازمان لحاظ نمی‌کند.

۳-۴. چهارچوب و مدل ارزیابی پیشنهادی

آن چه به عنوان الگوی ارزیابی عملکرد و تحت عنوان چارچوبی برای ارزیابی سیاست خارجی ایران در این پژوهش مورد استفاده قرار خواهد گرفت، تلفیقی از خصوصیات سه الگوی فوق‌الذکر است، که در آن ارزیابی بر مواردی چند استوار است که هر یک، بخشی از سه مدل فوق‌الذکر است که عبارتند از الگویی که:

- بر اساس آن نخست به این امر توجه شده که سیاست خارجی یک کشور در محیط پیچیده بین‌الملل امروز جلوه‌گر است که این محیط مداوم در حال تغییر است و تغییرات آن بر شرایط داخلی یک کشور نیز موثر است و لذا کارایی و اثربخشی و تحول سیاست خارجی کشور به سمت تکامل و تعالی نیازمند توجه دستگاه سیاست‌گذاری کشور به تغییرات محیط بین‌الملل است که این محیط محذوراتی را برای سیاست خارجی به همراه دارد. این ارزیابی باید به گونه‌ای باشد که به تحولات محیط بین‌المللی توجه نماید.

1 Critical Success Factors

2 Strategic Measures

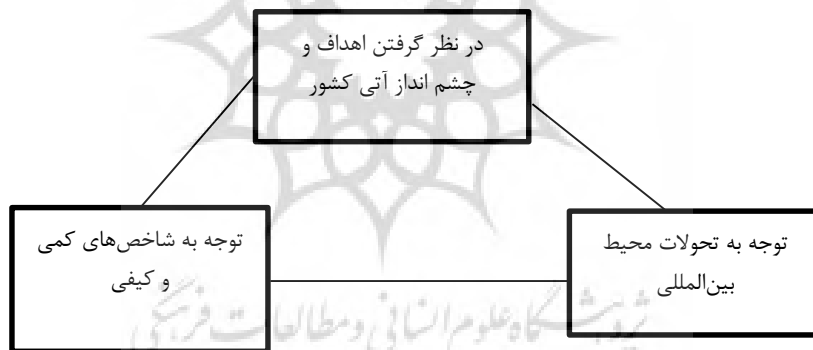
3 Action Plan



-در این الگو، ارزیابی بر اساس توجه به شاخص‌های کمی و کیفی صورت می‌گیرد و عملکرد دستگاه سیاست خارجی کشور، با توجه به معیارهای کیفی قابل استخراج از کتب، مقالات و مجلات و اسناد و گزارش‌های معتبر وزارت خارجه و نهاد ریاست جمهوری به منظور تبیین جهت‌گیری‌های سیاست خارجی نسبت به مسائل گوناگون و چگونگی واکنش و موضع‌گیری نسبت به آن‌ها و هم‌چنین معیارهای کمی و اعداد و ارقام مرتبط با عملکرد این دستگاه که در روزنامه‌ها و گزارشات صداوسیما و سایر منابع و خبرگزاری‌ها قابل دسترسی هستند، همچون مد نظر قرار دادن حجم سفرهای خارجی دولت مردان کشور به مناطق مختلف جهان، در راستای رسیدن به اهداف صورت می‌گیرد.

-در این چارچوب، آنچه برای ارزیابی سیاست خارجی حائز اهمیت است، مد نظر قرار دادن اهداف و برنامه‌هایی است که سیاست خارجی کشور باید در راستای دستیابی به آن‌ها برنامه‌ریزی و عمل نماید. این اهداف و برنامه‌ها که چشم‌انداز آتی کشور جهت رسیدن به جایگاه مطلوب در منطقه و جهان است، همان سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی ایران و سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی است. تعیین چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ شمسی در این مدل، مانع از برداشت‌های متفاوت در راه ارزیابی عملکرد دستگاه سیاست خارجی است.

نمودار-۱. مدل ارزیابی عملکرد سیاست خارجی



۴. بررسی اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز بیست ساله

چشم‌انداز ارائه دهنده‌ی تصویری مطلوب و آرمانی و قابل دستیابی است که فرا روی نظام حکومتی و جامعه قرار دارد و دارای ویژگی‌های جامع‌نگری، آینده‌نگری، ارزش‌گرایی واقع‌گرایی است که متناسب با مبانی ارزشی و آرمان‌ها تعیین می‌گردد. (کشاورزی، ۱۳۸۸: ۷۱) سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران شامل راهبردهایی است که بستر و جهت دهنده‌ی تمام تصمیماتی است که کشور را به نقطه‌ی آرمانی‌اش نزدیک می‌کند. (سجادپور و نوریان، ۱۳۸۹: ۴۵) بر اساس این چشم‌انداز، ج.ا.ا در سال ۱۴۰۴، کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل. تصریح این نکته در سند چشم‌انداز که رسیدن به این نقطه‌ی مطلوب، از طریق داشتن تعامل سازنده و موثر امکان پذیر است، نقش و جایگاه سیاست خارجی را در راه رسیده به اهداف روشن می‌سازد. (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۱۷)

تعامل سازنده^۱ به معنای برقراری ارتباط با بازیگران مهم بین‌المللی (کشورها، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیر دولتی) و ارائه‌ی کارکردی مطلوب، خلاق و ثمربخش است. تعامل موثر نیز بیشتر بر جنبه‌ی برقراری ارتباط تأثیرگذار و همکاری اثر بخش میان جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها، با رعایت منافع ملی و الزامات معطوف به امنیت ملی و توسعه‌ی همه جانبه تأکید دارد. (ایزدی و خلفی، ۱۳۹۰: ۴۶)

اهداف سیاست خارجی کشور در سند چشم‌انداز، نشانگر لزوم اتخاذ استراتژی تعامل فعال و سازنده با نظام بین‌المللی است. از جمله انگیزه‌های به کارگیری این راهبرد، الزامات امنیتی، رفع فوریت‌های داخلی، وحدت دنیای اسلام، وجود دشمن مشترک و نقاط حساس جغرافیایی مشترک هستند، اما هدف از راهبرد مشارکت فعال، گستردگی حضور در صحنه‌ی بین‌المللی است تا ایران با درک واقعیت‌ها، در سازمان‌ها، همایش‌ها و اتحادیه‌ها، مشارکتی فعال داشته باشد. (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۲۳۴)

سیاست خارجی کشور در افق این چشم‌انداز، مبتنی بر همکاری و هماهنگی در روابط بین‌الملل است و ایران همواره تلاش نموده تا دیگر کشورها را نسبت به حسن نیت خود قانع سازد. این نوع سیاست، همان‌طور که از تنش با نظام بین‌الملل پرهیز می‌کند، به معنای وادادگی در مقابل قدرت‌های بزرگ و پذیرش وضع موجود در نظام بین‌المللی نیست؛ بلکه با استفاده از قواعد بین‌الملل و با ایجاد اجماع هدفمند با کشورهای همسو و در راستای منافع و اهداف کشور تنظیم و تدوین می‌شود. (ایزدی و خلفی، ۱۳۹۰: ۴۵)

۴-۱. مروری بر سیاست‌های کلی نظام در برنامه چهارم توسعه

مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی را، حلقه‌ی بین آرمان‌ها و اجراییات تلقی می‌کند تا مسائل اجرایی را به آرمان‌ها نزدیک کند. این سیاست‌ها برای هماهنگی و انسجام هدف‌های نظام موجود در جامعه اعمال می‌شود و بازتاب ارزش‌هایی است که جامعه و دولت بدان‌ها پایبند هستند و تعیین کننده‌ی بایدها و نبایدها در جامعه و سازمان‌ها است. (امیرارجمند، ۱۳۸۱: ۸۲-۸۱) با توجه به محدوده‌ی زمانی این پژوهش، آن چه مد نظر قرار دارد، سیاست‌های کلی نظام در مورد برنامه‌ی چهارم توسعه است که نخستین برنامه‌ی دوران بیست ساله بود و در دهم آبان سال ۸۲ به تصویب رسید که در بخش امور مربوط به مناسبات سیاسی و روابط خارجی آن چنین آمده است:

- ثبات در سیاست خارجی بر اساس قانون اساسی و رعایت عزت، حکمت، مصلحت و تقویت روابط خارجی از طریق:

- گسترش همکاری‌های دوجانبه‌ی منطقه‌ای و بین‌المللی.
 - ادامه‌ی پرهیز از تشنج در روابط با کشورها.
 - تقویت روابط سازنده با کشورهای غیر متخاصم.
 - بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی.
 - مقابله با افزون خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی.
 - تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان.
 - مقابله با تک قطبی شدن نظام حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف به ویژه ملت فلسطین.
 - تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی.
 - تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل.
- و در ادامه بهره‌گیری از روابط سیاسی با کشورها برای نهادهای اقتصادی، افزایش جذب منابع و سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری پیشرفته و گسترش بازارهای صادراتی ایران و افزایش سهم ایران از تجارت جهانی و رشد پرشتاب اقتصادی مورد نظر در چشم‌انداز.
- تحکیم روابط با جهان اسلام و ارائه‌ی تصویر روشن از انقلاب اسلامی و تبیین دستاوردها و تجربیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی و معرفی فرهنگ غنی و هنر و تمدن ایرانی و مردم سالاری دینی.
 - تلاش برای تبدیل مجموعه کشورهای اسلامی و کشورهای دوست منطقه به یک قطب منطقه‌ای اقتصادی، علمی، فناوری و صنعتی.

- تقویت و تسهیل حضور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مجامع جهانی و سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی.

- تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور، کمک به ترویج زبان فارسی در میان آنان، حمایت از حقوق آنان، و تسهیل مشارکت آنان در توسعه ملی.

ایجاد ثبات سیاسی، افزایش روابط سیاسی به منظور فراهم آوردن زمینه‌های همکاری اقتصادی و تجاری، تحکیم روابط با جهان اسلام و تلاش برای حضور پررنگ تر ایران در عرصه‌های جهانی، همه و همه نیازمند داشتن تعاملات سازنده و مؤثر با بازیگران بین‌المللی است که این امر الزاماتی را با خود به همراه دارد.

۴-۲. الزامات پیش روی دستیابی به اهداف

دستیابی به اهداف سیاست خارجی در سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی کشور و تحقق تعامل موثر و سازنده در روابط بین‌المللی، و هم چنین اجرای دقیق استراتژی‌های مذکور در سیاست‌های کلی نظام، مستلزم فراهم بودن شرایط و امکاناتی است که در مقابل آن‌ها، چالش‌هایی نیز پیش روی دستگاه سیاست خارجی کشور در راه دستیابی به این اهداف وجود دارد. مهم‌ترین الزامات دستیابی به اهداف سیاست خارجی کشور که در سند چشم‌انداز بیست ساله و سیاست‌های کلی نظام بدان‌ها اشاره شده عبارتند از:

- تناسب آرمان‌ها با امکانات و مقدرات.
- چندجانبه‌گرایی و دیپلماسی کارآمد و فعال.
- درک شرایط و توجه به هنجارهای بین‌المللی.
- ایجاد اتحادهای استراتژیک.
- تنش زدایی، اعتمادسازی و بکارگیری استراتژی همزیستی مسالمت آمیز.
- گسترش همکاری‌ها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی.
- بکارگیری قدرت نرم و ایجاد تصویری مثبت از ایران.

۵. بررسی و ارزیابی موردی عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

به منظور ارزیابی عملکرد دستگاه دیپلماسی کشور در دوره‌ی چهار ساله‌ی دولت نهم، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مدلی پیشنهاد گردید که در آن سه فاکتور مهم تغییر و تحولات محیط بین‌المللی، مد نظر قرار دادن اهداف و چشم‌اندازهای کلان آتی نظام، و نیز توجه همزمان به شاخص‌های کمی و کیفی در سنجش و ارزش‌گذاری عملکرد سیاست خارجی، لحاظ گردیده است. در ادامه تلاش خواهد شد ضمن بررسی عملکرد

دولت نهم در قبال مسئله‌ی هسته‌ای ایران، موضوع هولوکاست، روابط با امریکای لاتین و نیز رویکرد نگاه به شرق این دولت، به ارزیابی این عملکرد با در نظر گرفتن شاخص‌های مدل ارائه شده پرداخته شود.

۵-۱. رویکرد نگاه به شرق

دولت نهم، نگاه به شرق را، رویکردی راهبردی به بازیگران منطقه‌ی شرق، جنوب شرقی و شمال شرقی آسیا به علاوه‌ی روسیه می‌دانست و معتقد بود جمهوری اسلامی ایران با تعمیق و تحکیم روابط و همکاری و ائتلاف با آن‌ها، به تامین منافع و اهداف سیاست خارجی و ارتقای ضریب امنیت ملی کشور دست می‌یابد. (آدمی، ۱۳۸۹: ۹۹) باید توجه داشت که دولت نهم معتقد بود که آن چه به عنوان استراتژی نگاه به شرق از آن یاد کرده است، به معنای نادیده گرفتن غرب نیست، بلکه به معنای برقراری توازن بین شرق و غرب است. در حالیکه آن چه در عمل مشاهده شد، حکایت از این توازن ندارد. (جلالی، ۱۳۹۱) در خصوص اهداف سیاست خارجی دولت نهم، در بسط روابط خود با کشورهای شرقی خصوصاً چین، روسیه و هند، نظرات مختلفی ارائه شده است. در حوزه‌ی استراتژیک دو هدف عمده برای سیاست خارجی ایران طی دوره‌ی چهار ساله‌ی دولت نهم در نظر گرفته شده است: نخست، عینیت بخشی به ائتلاف سازی در جهت تقابل با نظام تک قطبی که از این منظر، ایران در تلاش است با بهره‌گیری از تمایل کشورهای چین و روسیه به ایجاد موازنه در نظام بین‌الملل بهره‌گیرد و دوم، تلاش برای یافتن متحدان استراتژیک جهت حل معضلات امنیتی خود. از این منظر، ایران می‌کوشد مشکلات خود از جمله طرح پرونده‌ی هسته‌ای در شورای امنیت، تهدیدات نظامی امریکا را با بهره‌گیری از قدرت و توان کشورهای آسیایی و با رویکردی شرقی مرتفع سازد. (نوری، ۱۳۸۹: ۳۷) در ادامه اشاره‌ای مختصر به سه کشور چین، روسیه و هند خواهد شد.

۵-۱-۱. چین

در رویکرد نگاه به شرق سیاست خارجی ایران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، چین به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، از جایگاه خاصی برخوردار است. روند روابط اقتصادی ایران با چین در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، به طور متوسط بین ۳۰ تا ۵۰ درصد رشد داشته است، به طوری که در سال ۲۰۰۹ به حدود ۲۳ میلیارد دلار رسید. (قهرمان پور، ۱۳۸۷: ۲۹۱) تهران در سال ۲۰۰۵ حدود ۱۴ درصد نفت این کشور را تامین کرد و هم چنین در سال ۲۰۰۶ تهران و پکن قراردادی به ارزش ۲/۸ میلیارد دلار برای توسعه‌ی پالایشگاهی در اراک منعقد کردند و نیز شرکت ملی نفت ساحلی چین در همان سال قراردادی به ارزش ۶ میلیارد دلار برای توسعه‌ی میدان گازی پارس جنوبی و ساخت تاسیسات مایع گازی طبیعی با ایران امضا کرد.

همچنین پس از سه سال مذاکره قرارداد توسعه‌ی میدان نفتی یاداوران با شرکت چینی ساینوپک به ارزش دو میلیارد دلار در آذر ۸۶ به امضا رسید. (فرزین نیا، ۱۳۸۷: ۴۱۴-۴۱۲) اگرچه روابط ایران و چین در حوزه‌های انرژی و تجارت در دوره‌ی چهارساله‌ی دولت نهم افزایش یافت، اما به دلیل فاصله‌گیری چین از سیاست‌های ایدئولوژیک و گرایش به عملگرایی بر مبنای حداکثرسازی سود اقتصادی این کشور، متحدی استراتژیک برای ایران در خصوص پرونده‌ی هسته‌ای نبود. (قهرمانپور، ۱۳۸۷: ۲۹۱) مواضع چین در قبال قطعنامه‌های صادر شده علیه ایران نشان می‌دهد که این کشور کاملاً از مواضع هسته‌ای ایران دفاع نمی‌کند.

۵-۱-۲. روسیه

در دوره‌ی چهار ساله‌ی دولت نهم شاهد گسترش همه‌جانبه‌ی روابط ایران و روسیه هستیم. یکی از زمینه‌های مهم همکاری دو کشور در این دوره، در حوزه‌ی هسته‌ای است و این کشور تنها شریک هسته‌ای ایران است. روسیه در سال ۱۳۷۳ تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر را بر عهده گرفت که راه‌اندازی آن را به دلیل فشارهای سیاسی غرب به تاخیر افتاد. تاخیر مسکو در راه‌اندازی نیروگاه یکی از موانع مهم توسعه‌ی روابط دو کشور تبدیل شد و طرف ایرانی را نسبت به روسیه بدبین و تحت فشار افکار عمومی قرار داد. (کرمی، ۱۳۸۹: ۱۱۷) بالاخره این کشور در بهمن سال ۱۳۸۶ حمل سوخت هسته‌ای به نیروگاه بوشهر را نهایی نمود. (غریب آبادی، ۱۳۸۷: ۵۴) هم‌چنین با پیشنهاد ضمنی روسیه اجلاس خزر در تهران تشکیل شد تا پوتین در سال ۱۳۸۶ به ایران سفر کند و درباره‌ی مسائل مختلف بخصوص مسئله‌ی هسته‌ای به گفتگو بنشینند.

از سویی می‌توان آن‌چه را که اتفاق افتاد نتیجه‌ی تاکتیک روسیه برای حل مشکلات خود دانست؛ چرا که با صدور قطعنامه‌ی سوم که رای قاطع روسیه را نیز به همراه داشت باورهایی که دیدگاه خوشبینانه‌ای نسبت به سفر ریاست جمهوری روسیه به ایران داشتند را دچار شکست نمود. (امین زاده، ۱۳۸۶: ۱۵۰) از سوی دیگر، باید یادآور شد که در جریان این دیدار، روسای جمهور دو کشور خواستار گسترش همکاری‌ها در بخش نفت و گاز، انرژی هسته‌ای، امور پالایشگاهی، هواپیما سازی، امور بانکی و حمل و نقل شدند. تشکیل اوپک گازی در دسامبر ۲۰۰۸ دیگر رخداد مهم در تعاملات ایران ایران و روسیه طی این دوره است.

با وجود همکاری‌های بین دو کشور، اختلافات مهمی نیز در روابط ایران و روسیه در دولت نهم وجود داشته است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به کارشکنی مسکو در عملی شدن پیشنهاد ج.ا.ا. برای ایجاد سازمان کشورهای ساحلی، نگرانی ایران به دلیل طرح موضوع دریای خزر در نشست جداگانه‌ی مسکو و کشورهای ساحلی دریای خزر منهای ایران، مانع تراشی روس‌ها برای عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای و تاخیر بیش از اندازه‌ی روس‌ها در راه‌اندازی نیروگاه بوشهر و هم‌چنین لغو قرار داد فروش موشک‌های اس ۳۰۰ در آن سال‌ها اشاره کرد. (کرمی، ۱۳۸۹: ۱۲۲)

۵-۱-۳. هند

در ژانویه سال ۲۰۰۵ ایران و هند توافق ۲۵ میلیارد دلاری را امضا کردند که بر اساس آن مقرر گردید ایران سالانه ۷/۵ میلیون تن گاز طبیعی مایع به مدت ۲۵ سال از سال ۲۰۰۹ به هند صادر نماید. (شریعتی فر، ۱۳۸۷: ۲۵) ارزش تجارت بین تهران و دهلی از ۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۷ تجاوز نمود. سفر رییس جمهوری ایران به هند در سال ۱۳۸۷ با توجه به اینکه برخی سیاستمداران هندی معتقد بودند که روابط صمیمانه با ایران در طول اعصار برای ثبات و امنیت منطقه اهمیت حیاتی دارد، یک اقدام مثبت در راه گسترش و بهبود روابط بین دو کشور محسوب می شد. (فرزین نیا، ۱۳۸۷: ۴۰۹) البته هند نه فقط بر پایه ی توافقات مربوط به انرژی، بلکه به خاطر گسترش حضور خود در منطقه ی خاورمیانه و ارتباط بیشتر با کشورهای آسیای مرکزی، روابط گسترده ای را با تهران دنبال کرد. (صادقی و شفیعی، ۱۳۸۹: ۳۲۸)

در نگاهی کلی، روابط دو کشور ایران و هند که از سابقه ی دیرینه ای برخوردار است، در دوران دولت نهم به دلیل آن که هند در سپتامبر ۲۰۰۵ (شهریور ۱۳۸۴)، تحت فشار امریکا در حمایت از قطعنامه ی پیشنهادی سه کشور اروپایی علیه برنامه ی هسته ای ایران رای داد و بار دیگر رای خود را در اوایل سال ۲۰۰۶ در آژانس بین المللی انرژی اتمی تکرار نمود و راه را برای ارجاع پرونده ی هسته ای ایران به شورای امنیت هموار ساخت، تضعیف شد. (خبرگزاری ج.ا. ۱۱/۲/۸۷)

تداوم سیاست نگاه به شرق نیز دستاورد مهمی برای سیاست خارجی ما نداشته است. زمینه های این ناکامی را در رأی هند به قطعنامه ی شورای حکام آژانس علیه برنامه ی هسته ای ایران و رأی ممتنع اندونزی و موافقان روسیه به قطعنامه ی شورای امنیت می توان دید. (سپهر، ۱۳۸۸: ۷۲) این رویکرد اگرچه تلاشی برای تقویت روابط سازنده با کشورهای غیر متخاصم که در سیاست های کلی نظام به آن اشاره شده است بود، اما نتوانست اهدافی همچون افزایش توان ملی کشور، بهره گیری از روابط برای بهبود شرایط اقتصادی و مقابله با نفوذ امریکا و ایجاد تعاملاتی مؤثر و سازنده را برای دستگاه سیاست خارجی کشور به همراه داشته باشد که مجموع این ها نشان دهنده آن است که در این رویکرد، برطبق معیارهای مدل ارزیابی این پژوهش، دو شاخص کارایی و نایل آمدن به اهداف سند چشم انداز و سیاست های کلی نظام با صرف کمترین منابع و امکانات و با در نظر گرفتن موقعیت و جایگاه کشور در محیط بین المللی، مد نظر قرار نگرفته است.

۵-۲. پیگیری پرونده ی هسته ای

الگوی رفتاری حاکم بر سیاست خارجی این دوره در حوزه ی مسائل هسته ای، مبتنی بر انطباق تهاجمی بود که بر اساس آن محیط باید در راستای خواست بازیگر تغییر کند. این الگو بیشتر از آن که تابع قدرت و امکانات ایران و شرایط بین المللی باشد، تابعی از تصمیم گیری های شخصی و نه چندان سنجیده بود. (فلاحی، ۱۳۸۶: ۵۵) دیپلماسی تهاجمی دولت نهم ضمن ارجاع پرونده ی هسته ای ایران به شورای امنیت سبب

شد قدرت‌های بزرگ تعلیق را که قبلا امری داوطلبانه از سوی ایران اعلام شده بود، الزامی‌کنند و دامنه‌ی تعلیق به حدی گسترده شود که تعلیق آب سنگین اراک را هم در برگیرد. به این ترتیب پس از پایان جنگ تحمیلی، شاهد سه قطعنامه شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران هستیم که هر سه بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ و در رابطه با پرونده‌ی هسته‌ای ایران است. (فلاحی، ۱۳۸۶: ۷۸)

حوزه مذاکرات دولت نهم در ارتباط با مسئله‌ی انرژی هسته‌ای در حالی توسط تیم شورای عالی امنیت ملی کشور پیگیری می‌شد که دولت نهم و دهم بارها با تاکید بر توان مقاومت و ایستادگی ملت ایران، تحریم‌ها را کاغذ پاره دانست. اما بر خلاف این رویکرد، اتخاذ رفتارهای متناقض از سوی مقامات اجرایی کشور و در پیش گرفتن رویه‌ی تهاجمی با کشورهای دنیا، به انزوای بیشتر ایران در جهان منجر شد. دولت نهم خط مشی جدیدی را در خصوص برنامه‌ی هسته‌ای ایران در پیش گرفت که بر اساس آن سیاست هسته‌ای دولت نهم بر پایه اصول زیرقرار داشت:

- ۱- رویکرد به بازیگران جدید و خارج کردن انحصار پرونده و مذاکرات از دست سه کشور اروپایی؛ دولت اعلام کرد ایران آماده است بر اساس مبانی مشخص با هر کشوری مذاکره نماید. (غریب آبادی، ۱۳۸۶: ۱۴)
- ۲- خارج کردن پرونده از مجاری صرفا سیاسی و قرار دادن آن در چارچوب‌های حقوقی و در دایره‌ی آژانس بین‌المللی بر اساس اسناد چهارگانه (معاهده‌ی NPT، اساسنامه‌ی آژانس، پادمان و پروتکل الحاقی)
- ۳- قاطعیت در حفظ چرخه‌ی سوخت هسته‌ای و از سرگیری بخشی از فعالیت‌های هسته‌ای که به صورت داوطلبانه در دوره‌ی اعتمادسازی به تعلیق درآمده بود. (اجاقلو، ۱۳۸۵: ۳)
- ۴- تغییر خط قرمز شورای امنیت، نگرش جدید دولت نهم به پرونده هسته‌ای بوده است و آن چه که به عنوان خط قرمز تعیین شد، غیر قابل مذاکره بودن حقوق مسلم هسته‌ای ایران بود. لذا درخواست‌های طرف مقابل پذیرفته نشد، چرا که از نظر دولت نهم اقداماتی بودند که بر اعمال حقوق ایران محدودیت وارد می‌کرد.
- ۵- «تعامل سازنده و مذاکرات عادلانه» یکی از اصول دیپلماسی دولت نهم بود. بر این اساس دولت معتقد بود اگر بر اساس قانون، حقوقی به رسمیت شناخته شده باشد، باید عادلانه تحقق یابد و اگر تعهداتی مشخص شده است، باید همه به آن متعهد باشند. (غریب آبادی، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۴)
- ۶- علاوه بر غیر قابل مذاکره بودن حقوق مسلم ایران، که از خطوط قرمز دولت بود، خط قرمز دوم این بود که به غربی‌ها که خودشان می‌گویند به هیچ اصل اخلاقی پایبند نیستند، اعتماد نکنیم، اگر به آن‌ها اعتماد کنیم، در واقع خودمان را فریب داده ایم. (حجازی و زارعی، ۱۳۸۷: ۱۰۶)
- ۷- اقدام دیگر دولت تاکید بر توازن بین حقوق و تکالیف بود، دولت نهم معتقد بود جمهوری اسلامی بر ضرورت توازن بین حقوق و تکالیف خود بر اساس «ان پی تی» تاکید دارد و نمی‌تواند محروم شدن از حقوق قانونی خود را که در معاهده‌ی عدم اشاعه و اساسنامه آژانس به آن تاکید شده را بپذیرد و حتی ایران، در پاسخ

خود به بسته ۶ ژوئن ۲۰۰۶، اعتماد سازی را مسیری دو طرفه دانست و پایبندی طرف مقابل را به معاهده‌ی عدم اشاعه خواستار شد. (غریب آبادی، ۱۳۸۶: ۱۶-۱۵)

در خلال سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، شورای امنیت سازمان ملل در رابطه با گزارش پرونده‌ی هسته‌ای ایران، پنج قطع نامه در چارچوب فصل هفتم منشور سازمان ملل به تصویب رساند. قطعنامه‌ی ۱۶۹۶ جنبه‌ی اختطاری داشت، اما در قالب چهار قطعنامه‌ی بعدی_ ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۸۳۵_ مجازات‌های مختلفی از جمله در زمینه‌های تأمین مالی، برنامه‌های موشکی و خرید و فروش کالاهای با قابلیت استفاده دوگانه علیه ایران اعمال گردید. (قنبرلو، ۱۳۸۷: ۸۳۶)

دیدگاه دولت نهم پیرامون مسئله‌ی هسته‌ای کشور، حاکی از رویکردی تهاجمی بود که بر اساس آن محیط بین‌المللی باید در جهت خواست یک بازیگر تغییر کند. (Elman, 1996: 50-53) این امر مغایر با اصل تعاملات مؤثر و سازنده‌ی بین‌المللی که در سند چشم‌انداز بدان اشاره شده بود، است. اتخاذ این رویکرد، همراه با رفتارهای هیجانی و سخنان نسنجیده، موجب تنش آمیز شدن روابط و کاهش بهره‌گیری از تعاملات برای افزایش توان ملی، و کاهش همکاری‌های بین‌المللی سازنده، با سایر بازیگران نظام بین‌المللی که در برنامه‌ی چهارم توسعه مورد تأکید قرار گرفته بود، گردید. (فلاحی، ۱۳۸۶: ۵۵)

متأسفانه طی این دوره، تلاش‌های دیپلماتیک ضعیفی در زمینه‌ی جلوگیری از تحریم‌ها صورت گرفت و بارها چه توسط رییس‌جمهور و چه توسط مقامات وزارت امور خارجه، از آن‌ها به عنوان کاغذ پاره و سندهای بی ارزش تعبیر شد. (افضلی و کیانی، ۱۳۹۲: ۱۹۸-۱۹۷) این امر در تقابل با سیاست‌های کلی نظام در برنامه‌ی چهارم توسعه، به خصوص پرهیز از تشنج در روابط با سایر بازیگران بین‌المللی، گسترش همکاری‌های بین‌المللی ایران و نیز بهره‌گیری از روابط سیاسی به منظور بهبود شرایط اقتصادی کشور بود. سیاست خارجی ایران طی این دوره، این فرصت را به مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی داد که در ادبیات دیپلماتیک و سیاسی خود، برنامه و ظرفیت هسته‌ای کشورمان را تهدیدی بالقوه برای صلح و امنیت بین‌المللی بدانند و یک علیه برنامه‌ی صلح آمیز هسته‌ای ایران شکل بگیرد. (سپهر، ۱۳۸۸: ۷۲) این وقایع نشان از آن دارد که برای دسترسی به اهداف سیاست خارجی کشور در این دوره، منابع و امکانات گزافی صرف شده است و عملکرد دیپلماتیک کشور کارایی و اثربخشی ناچیزی داشته و تصمیم‌گیری‌ها با کمترین توجه ممکن به محیط بین‌الملل و شرایط حاکم بر آن در آن برهه از زمان بوده است و معیارهای در نظر گرفته شده برای داشتن سیاست خارجی موفق و کارآمد کمتر لحاظ شده است. در جدول زیر برخی از نقاط مثبت و منفی عملکرد دستگاه سیاست خارجی دولت نهم در قبال پرونده هسته‌ای آمده است.

جدول ۱- محاسن و معایب عملکرد دستگاه سیاست خارجی دولت نهم

معایب	محاسن
<ul style="list-style-type: none"> -ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت - اطلاق ماده ۱۳ اساسنامه به ایران و مطرح شدن ایران به عنوان تهدید امنیت بین‌المللی -تسلط امریکا بر پرونده هسته‌ای ایران -تخریب افکار عمومی بین‌المللی علیه ایران -تبدیل شدن پرونده از حالت فنی-حقوقی به حالت امنیتی-سیاسی و رفتن ایران در ذیل فصل هفتم منشور 	<ul style="list-style-type: none"> -شکست تعلیق و رسیدن به پابلوت ۱۳۰۰ تابی -عدم پذیرش تعلیق و تاکید بر تداوم فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای -شروع UCF اصفهان و افزایش ذخایر UF6

۳-۵. مسئله‌ی هولوکاست

در ۲۴ آذر ۱۳۸۴ بود که رییس دولت نهم، در یکی از سفرهای استانی خود، در جمع مردم زاهدان هولوکاست را افسانه خواند و پیشنهادش در مورد انتقال اسرائیلیان به اروپا را تکرار کرد. سخنانی که بلافاصله واکنش‌های شدیدی را در ایران و جهان در میان اصحاب رسانه و قدرت به همراه داشت. (بربر، ۱۳۸۵: ۵۰)

در همین سال در واکنش به این اقدام ایران، اولین اعتراض در اسپانیا به نفع اسرائیل مقابل سفارت ایران برپا شد و به دنبال آن قطعنامه‌ای در مجمع عمومی سازمان ملل در تأیید قطعی پدیده‌ی هولوکاست و محکومیت نفی آن تصویب شد. این قطعنامه علاوه بر آن که برای مبتکران طرح سیاسی تشکیک در مسئله‌ی هولوکاست، حامل موفقیت نبود، به دلیل قطعیتی که برای مسئله دارای ابهام و مورد مناقشه‌ی هولوکاست به همراه داشت، پیروزی بزرگی برای اسرائیل و یهودیان افراطی جهان بود. به طوری که شورای امنیت در خصوص این قضیه اقدام به صدور دو بیانیه مطبوعاتی در ۹ دسامبر ۲۰۰۵ و ۲۸ اکتبر ۲۰۰۵ کرد.

بیان مسئله‌ای که نفعی برای کشور نداشت در شرایطی که کشور تحت فشارهای بین‌المللی در جریان قضیه‌ی هسته‌ای بود، منجر به صدور قطعنامه در مجمع عمومی سازمان ملل برای محکومیت نفی هولوکاست گردید. (امین زاده، ۱۳۸۵: ۱۷۰) این امر گواهی بر عدم توجه به شرایط محیط بین‌المللی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی است. طرح سوالات اینچنینی می‌توانست در جلسات کارشناسی یا دانشگاهی مطرح می‌شود. کمالین که پیش از این، این موضوع در سفارتخانه‌های مختلف در دست بررسی کارشناسان قرار گرفته بود و در دانشگاه‌ها نیز به عنوان یک ادعای تاریخی در حال بررسی است. (شکیبایی، ۱۳۹۲) در این صورت، این امر می‌توانست با صرف منابع و امکانات کمتر و به طور هدفمندتر دنبال شود و تنش‌ی نیز در روابط ایران و سایر کشورها در شرایط حساس بررسی مسئله هسته‌ای ایجاد نمی‌شد.

موضع‌گیری دولت نهم در قبال هولوکاست نیز، علاوه بر ناهماهنگی با اصل تعاملات موثر و سازنده بین‌المللی، سبب بروز تشنج در روابط خارجی کشور و کاهش سطح همکاری‌های دو جانبه و چندجانبه‌ی ایران با کشورهای غیر متخاصم، خصوصاً برخی کشورهای اروپایی گردید و هیچ امتیاز مثبتی برای تقویت جایگاه کشور در مجامع بین‌المللی که در سیاست‌های کلی نظام بدان‌ها اشاره شده بود، به همراه نداشت. این امر نشان از عدم توجه به کارآمدی و اثربخشی یک سیاست بدون توجه به شرایط بین‌المللی است.

۴-۵. روابط دولت نهم با امریکای لاتین

هرچند که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای شناخته شده است، ولی این کشور تلاش نموده تا روابط خود را با دنیای فراتر از منطقه‌ی خود تعریف نماید که یکی از این مناطق حوزه‌ی امریکای لاتین است. (غلامی، ۱۳۹۱) اوج این پویایی و گسترش روابط ایران و امریکای لاتین را باید در دوران دولت نهم جستجو کرد که علت آن از یک سو گسترش موج چپ در امریکای لاتین و نیز روی کار آمدن محمود احمدی نژاد در ایران باز می‌گردد که با اتخاذ رویکردی آرمان‌گرایانه و مواضع سرسختانه در قبال نظم حاکم بر ساختار نظام بین‌الملل و انتقاد شدید و واکنش به سیاست‌های تند امریکا، باعث نزدیکی دو طرف گردید. (کوزه گر کالجی، ۱۳۸۷: ۱۴) با چرخش نگاه به امریکای لاتین در دولت نهم، حجم مبادلات تجاری ایران با کشورهای منطقه نسبت به گذشته بیش از دو برابر رشد نمود. ایران خط تولید سمند، تراکتور و کارخانه‌ی قطعات پلاستیکی را در ونزوئلا و دیگر کشورهای امریکای لاتین راه‌اندازی نمود. (مرشدی، ۱۳۸۸) برخی معتقدند که چنین نگرشی به کشورهای امریکای لاتین که عموماً در رده‌ی کشورهای جهان سوم قرار دارند، نوعی تغییر در استراتژی سیاست خارجی ایران از حالت تدافعی در گذشته به حالت فعال است که از این طریق کشورهای ستمدیده را به منظور دور زدن سیاست‌های امپریالیستی، به همکاری و مشارکت هرچه بیشتر باهم ترغیب می‌کند. (Hajiyousefi, 2012: 401-409)

اگرچه بهره‌گیری دستگاه دیپلماسی کشور در دولت نهم از فرصت ایجاد شده در منطقه‌ی امریکای لاتین به لحاظ تقویت روابط با کشورهای غیر متخاصم و گسترش همکاری‌های بین‌المللی که در برنامه‌ی چهارم توسعه مورد تأکید قرار گرفته بودند ستودنی است و می‌تواند به عنوان مدلی برای دیگر مناطق به شمار آید، اما اتخاذ رویکرد واقع بینانه‌تر و سیستمی و پرهیز از سیاست‌های زودگذر و احساسی، ضرورتی اجتناب ناپذیر است تا در پرتو یک خط مشی معتدل و مدبرانه در جهت تأمین هرچه بیشتر منافع ملی کشور گام برداشت. (کوزه گر کالجی، ۱۳۸۷: ۱۳) به نظر می‌رسد آنچه در این دوره در روابط با امریکای لاتین به وقوع پیوست به لحاظ کارایی و اثربخشی منافع بیشتر را نصیب کشورهای امریکای لاتین کرد و برای بدست آوردن برخی مزایا و امکانات، سیاست خارجی دولت نهم اصل بدست آوردن بیشترین اهداف با صرف کمترین منابع را رعایت نکرد و به شرایط محیط بین‌المللی توجه چندانی نداشته است.

۶. نتیجه گیری

نوع نگاه دولت نهم به عرصه‌ی سیاست خارجی، موجب عدم استفاده‌ی کافی از فرصت‌ها شده است. ماهیت هر یک از اهداف سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام و ابزارهای تحقق آن‌ها به روشنی گویای آن است که توسعه‌ی ملی کشور نباید و نمی‌تواند در راهی رویارو شونده با جهان، به ثمر نشیند، بلکه از راه تعامل سازنده و مؤثر، همکاری‌های گسترده و متنوع، ایجاد ثبات و آرامش و امنیت و نیازمندی‌های لازم برای تحقق توسعه یافتگی فراهم خواهد شد. در صورتی تعامل مؤثر و سازنده جمهوری اسلامی ایران با جهان بر اساس سه اصل عزت، حکمت و مصلحت می‌تواند محقق شود که ایران منافع ملی خود را در راستای منافع و مصالح جامعه‌ی بین‌المللی تعریف و تعقیب نماید و با همکاری و هماهنگی سایر کشورها در جهت تحقق اهداف، تلاش نماید؛ اما عملکرد دولت در طی این چهار سال، خلاف این امر را نشان می‌دهد. سیاست خارجی ایران در این دوره، بیشترین تأکید را بر آموزه‌های ساده انگارانه داشته و به طور قابل توجهی تأکید خود را بر ارزش‌ها و آرمان‌ها نهاده است. (Azghandi and Ehsani, 2015: 258)

در این دوره، آرمان‌گرایی با افزایش عنصر ایدئولوژی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی پررنگ‌تر می‌شود و از سیاست عملگرایانه و واقع‌گرایی در برخورد با تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، در نتیجه‌ی مواضع عجولانه و عملکرد شتابزده‌ی دستگاه دیپلماسی در اتکای بیش از حد به شرق، حمایت از جنبش‌های چپ‌گرای امریکای لاتین، موضع‌گیری‌های نسنجیده و عجولانه در بحث هولوکاست و شتابزدگی و تک‌روی در حل پرونده‌ی هسته‌ای دوری جسته است.

با عنایت به آنچه گذشت، چنان‌چه مجموع عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، را مورد بازنگری قرار دهیم، در می‌بایم که عملکرد دولت نهم در ارتباط با مواردی که طی این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، با اهداف مورد نظر در سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی کشور و سیاست‌های کلی نظام همسویی چندانی نداشته است؛ البته باید این امر را مدنظر داشت که نمی‌توان تمامی ضعف‌های سیاست خارجی ایران را به دولت نسبت داد؛ چرا که برخی شرایط و ویژگی‌های ساختاری که در اثر سیاست‌های جدید جهانی ایجاد شدند، بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه دیپلماسی کشور بی‌تأثیر نبودند و این خود نشان از نقش پررنگ تحولات بین‌المللی و محیط پیچیده نظام بین‌الملل بر سیاست خارجی کشورها است.

منابع

- اجاقلو، نسیم اله. ۱۳۸۵. شورای امنیت، آخرین ایستگاه پرونده‌ی هسته‌ای ایران. روزنامه شرق. ۱۳۸۵/۳/۱۰.
- آدمی، علی. ۱۳۸۹. راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دیدگاهها، زمینه‌ها و فرصت‌ها. فصلنامه مطالعات سیاسی. سال دوم. شماره ۷.
- ارشدی خسته، علی. ۱۳۸۶. مقاله‌ی روش‌ها و شیوه‌های مدیریت و عملکرد و ارزیابی آن.
- افضلی، رسول و وحید کیانی. ۱۳۹۲. بررسی ارزیابی کیفی وضعیت روابط خارجی ایران در برنامه چهارم توسعه. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان. سال اول. شماره ۱.
- الهی، شعبان. ۱۳۷۸. مثلث عملکرد سازمانی (ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور). ارائه شده در کنگره‌ی شهید رجایی. تهران
- امیرارجمند، اردشیر. ۱۳۸۱. سیاست‌های کلی نظام در پرتو اصل حاکمیت قانون و جمهوریت. فصلنامه راهبرد. شماره ۲۶.
- امین زاده، محسن. ۱۳۸۵. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۵. آیین. شماره ۶.
- امین زاده، محسن. ۱۳۸۶. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۶. آیین. شماره ۱۱ و ۱۲.
- ایزدی، جهانبخش و فرزاد خلفی. ۱۳۹۰. راهبردهای تعامل موثر و سازنده‌ی ایران در نظام بین‌المللی بر پایه‌ی سند چشم‌انداز. فصلنامه ره‌نامه‌ی سیاست‌گذاری. سال دوم. شماره ۳.
- بربر، مسعود. ۱۳۸۵. هفتاد سال بعد (درباره هولوکاست). خردنامه همشهری. شماره ۱۲.
- بهبزادیان، مجید. ۱۳۷۹. مدیریت استراتژیک با کارت امتیاز متوازن. ارائه شده در هفتمین همایش دانشجویی مهندسی صنایع. تهران.
- جلالی، رضا. ۱۳۹۱. از تنش زدایی تا سیاست‌های ماجراجویانه. به نشانی www.mardomsalari.com/template1/news.aspx?nid=131978
- حاجی کریمی، عباسعلی و حسن رنگریز. (۱۳۷۸). مدیریت منابع انسانی. تهران: نشر نگاه دانش.
- حجازی، حسین و مجتبی زارعی. (۱۳۸۷). نهضت ملی هسته‌ای در ایران (سیری در آرا و اندیشه‌های دکتر احمدی نژاد). تهران: نشر دانشگاهی.
- حق شناس، محمدجواد. ۱۳۸۸. نقش ارزیابی در سیاست‌گذاری عمومی. به نشانی: www.isna.ir/fa/news/8707-00770
- داریانی، محمدعلی و علاء الدین رفیع زاده. ۱۳۸۴. تحلیل تطبیقی مدل‌های ارزیابی عملکرد (از حیث اهداف، مبانی، نتایج و دستاوردها). ارائه شده در دومین کنفرانس ملی مدیریت عملکرد. تهران.

دانشفرد، کرم اله، کاوه وحدانی، و غسل آغاز. ۱۳۸۹. بررسی نقش پیاده سازی کارت امتیاز متوازن در بهبود عملکرد سازمان. فصلنامه رهبری مدیریت آموزشی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار. سال چهارم. شماره ۲.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۷). چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

رحیمی، غفور. ۱۳۸۵. ارزیابی عملکرد و بهبود مدیریت سازمان. ماهنامه تدبیر. سال هفدهم. شماره ۱۷۳. سپهر، حسین. ۱۳۸۸. تاملی بر سیاست خارجی ایران در چهار سال اخیر. گزارش. ماهنامه گزارش. شماره ۲۱۱.

سجادپور، محمدکاظم واردشیر نوریان. ۱۳۸۹. برنامه ریزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بررسی رابطه قدرت منطقه‌ای، اقتصاد و سیاست خارجی بر اساس سند چشم‌انداز. فصلنامه راهبرد. سال نوزدهم. شماره ۵۶.

سیف زاده، حسین. ۱۳۸۴. آسیب شناسی سیاست خارجی ایران و چارچوبی برای سازماندهی طرز تلقی‌ها. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. شماره ۶۹.

شریعتی فر، زهرا. ۱۳۸۷. روابط ایران و هند (مناسبات سیاسی-اقتصادی). گزارش اردیبهشت و خرداد. سال هفدهم. شماره ۱۹۷.

شفیعی، نوذر و زهرا صادقی. ۱۳۸۹. گزینه‌های ایران در روابط خارجی بر اساس سیاست نگاه به شرق. راهبرد یاس. شماره ۲۲.

شکیبایی، مهدی. ۱۳۹۲. تاکتیک غلط احمدی نژاد در مورد هولوکاست. به نشانی اینترنتی:

www.imna.ir/vdcbzgb9.rhb9zpuur.html

صفوی همای، سید حمزه. (۱۳۸۷). کالبد شکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه امام صادق.

غریب آبادی، کاظم. (۱۳۸۷). پرونده‌ی هسته‌ای ایران به روایت اسناد. تهران: مرکز اسناد تاریخ دیپلماسی.

غریب آبادی، کاظم. ۱۳۸۶. سیاست‌ها و دستاوردهای هسته‌ای دولت نهم. فصلنامه‌ی دولت اسلامی. شماره ۱.

-غلامی، طهمورث. ۱۳۹۱. ایران در آمریکای لاتین و واکنش ایالات متحده. به نشانی اینترنتی:

www.peace_ipsc.org

فرزین نیا، زیبا. ۱۳۸۷. ایران و آسیا در دولت نهم؛ فراز و نشیب‌ها. فصلنامه سیاست خارجی. سال دوم. شماره ۲۲.

- فلاحی، سارا. ۱۳۸۶. بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد (تا پایان قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت). پژوهشنامه علوم سیاسی. شماره ۶.
- قنبرلو، عبدالله. ۱۳۸۸. مفهوم و ماهیت قدرت منطقه‌ای. فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۴۶.
- قهرمانپور، رحمان. (۱۳۸۷). رویکرد حکومت‌های بزرگ به موضوع هسته‌ای. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- کرمی، جهانگیر. ۱۳۸۹. روابط ایران و روسیه در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸، بسترها، عوامل و محدودیت‌ها. مطالعات اوراسیای مرکزی. سال سوم. شماره ۶.
- کشاوری، محمد، مصطفی سلاطین، محمد آفتابی، و محسن زارع. (۱۳۸۸). آشنایی با سند چشم‌انداز. تهران: نشر امیرکبیر.
- کوزه گر کالجی، ولی. ۱۳۸۷. تاملی بر سیاست خارجی ایران در آمریکای لاتین. گزارش. سال هفدهم. شماره ۹۸.
- متقی، ابراهیم. ۱۳۸۸. همکاری‌های نامتقارن ایران و آمریکا در دوران اوباما. فصلنامه‌ی بین‌المللی روابط خارجی. سال اول. شماره ۳.
- ملکی فر، عقیل و محمد شالچی فر. ۱۳۸۴. راهنمای گام به گام پیاده سازی کارت امتیاز متوازن به عنوان یک سیستم ارزیابی استراتژیک. مدیریت فردا. سال سوم. شماره ۹ و ۱۰.
- موسی خانی، مرتضی، دادخواه، داود، و رقیه حسن زاده. ۱۳۸۸. ارائه‌ی یک چارچوب مفهومی برای ارزیابی عملکرد دانشگاه. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار. سال سوم. شماره ۳.
- میرکمالی، سید محمد. (۱۳۷۸). رهبری و مدیریت آموزشی. چاپ پنجم. تهران: نشر یسپرون.
- نوری، وحید. ۱۳۸۹. اولویتهای جغرافیایی- عقیدتی در سیاست خارجی دولت نهم. ره آورد سیاسی. شماره ۲۷ و ۲۸.
- AlirezaAzghandi and Mohammad EhsaniAbade, 2015. **Evaluation of Ahmadinejad's foreign policy in the light if the constructivism theory**, *Tehran, journal of renewable natural resources, bhultan* 2015.
- Colin, Elman, 1996 **Horses for corses, why not neo realist theories of foreign policy**, *security studies, Vol.6.No. One (autumn 1996)*
- Hajiyousefi, Amir mohammad, 2012, **the prospect of Iranian foreign policy :Interact ion, in MojtabaMaghsudi(ed), Iran politics and future studies, Tehran: university press publications.**

Evaluation of the Islamic Republic of Iran's Foreign Policy Based on 2025 Vision and General Policies (2005-2009)

Samaneh Alavi

Received: 23 April 2016

Accepted: 24 August 2016

Most important topics of country's foreign policy are listed in the 20-years Vision and General policies. Foreign policy system should act under and according to goals and policies of these two upper hand documents. The aim of this study by using descriptive analytical method, is to describe the goals of 20-years Vision of Iran and general policies in the Fourth 5-year Development Plan, and also evaluate the actions of foreign policy system during the 2005 to 2009 in the case of nuclear, holocaust, Look East approach and how to interact or conflict with Latin America. Results show that the government's foreign policy goals during the mentioned years, is not very consistent. This is due to the aggressive and provocative approach by government, along with some kind of position and orientation of subjective idealism over realism in foreign policy, will be explored.

Keyword: *Foreign policy, National interests, Outlook plan, General policy.*



سیاست های راهبردی وکلان	
مدلی برای آموزش مهارت های فراشناختی در تربیت معلم آینده علی اکبر خوش گفتار مقدم، سید کمال خرازی	1
Metacognitive Skills Training Model for Future Teacher Training <i>Ali Akbar Khoshgoftar Moqaddam, S. Kamal Kharrazi</i>	1
ارزیابی تأثیر گردشگری حلال بر حوزه های گردشگری ایران با استفاده از مدل جمع وزنی (WSM) علی حاجی نژاد، ابوذر پایدار، فاطمه باقری، ناصر عبدی	27
Assessment the Effect of Halal Tourism in Iran's Tourism (Using Weighted Sum Model) <i>Ali Hajinejad, Abouzar Paydar, Fatemeh Baqeri, Naser Abdi</i>	27
تحلیلی بر ضرورت معافیت مالیاتی معلولین در ایران نادر مهرگان، محمدرضا اسکندری عطا	47
Analysis the Necessity of Tax Exemption for Disabled People in Iran <i>Nader Mehregan, Mohammad Reza Eskandariata</i>	47
آیا نقصان های بازار می توانند رفتار نرخ ارز را توضیح دهند؟ سید فخرالدین فخرحسینی	61
Can Market Imperfections Explain the Behavior of Exchange Rates? <i>S.Fakhroddin Fakhrosseini</i>	61
نقش زنان در بهبود فضای کسب و کار (مطالعه موردی ایران و کشورهای منتخب در حال توسعه؟) سیدعلی پایتختی اسکویی، لاله طباقچی اکبری	83
The Role of Women in Improving the Business Environment Case Study; Iran and the Selected Developing Countries) <i>S.Ali Paytakhti Oskoee, Laleh Tabaqchi Akbari</i>	83
نقش سلامت بر عرضه نیروی کار زنان (مطالعه موردی کشورهای D8) سمیرا متقی، سعیده کامرانپور	109
The Impact of Health on Female Labor Supply (Case Study: D8 Countries) <i>Samira Mottaqi, Saeede Kamranpour</i>	109
اثر رشد جمعیت بر آلودگی محیط زیست مقایسه دو گروه کشورهای در حال توسعه (D8) و صنعتی (G7) ابوطالب کاظمی، بهروز جعفرزاده، داود فرهادی سرتنگی	125
The Effect of Population Growth on the Environment Compare the Two Groups of Developing Countries (D8) and Industrial (G7) <i>Aboutaleb Kazemi, Behrouz Jafarzade, Davood Farhadi</i>	125
ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای سند چشم انداز و سیاست های کلی نظام (۱۳۸۸-۱۳۸۴) سمانه علوی	143
Evaluation of the Islamic Republic of Iran's Foreign Policy Based on 2025 Vision and General Policies (2005-2009) <i>Samane Alavi</i>	143